



نامه‌های که بردست نرسید

چند شعر از معصومه احمدی

اشاره : معصومه احمدی متولد ۱۳۶۰ در قریه جنگان (ایلندی است ، از وی تا اکنون کتاب های ترنید در دقیقه یکم و شکل هندسی تو پاپ شده است . احمدی دانشجوی رشته علوم اجتماعی دانشگاه پیام نور در شهر مشهور ایران است .

درون این پاکت...

جهان را درون پاکتی به تو پست می کنم
جهان مه آلود
مثل طناب داری از پیشانی پدرم بالا می رود
همه چیز را نوشته ام
که سر بازا آمدند
با پوتین های قرمز
و تفنگ های پر
حالا از کوه هم بالا رفته اند
زنان ده

ندوشیده اند گوسفندا را
و حسنک برنگشته از شهر
گوسفندا دیگر شیر نمی دهند
شاید در تنگه جبل الطارق بودی
یا رشته کوه های آلپ
که خبر مرگ حسنک را آوردند
روی دست های تو
حسنک
جهان را پرت می شود به گوشه ای
مثل طناب داری که پیشانی اش را بلند شد
دریاچه ها و رودخانه ها را هم کشیده ام
با ماهی های غمگین اش
و دستمال قرمز و سبز و سیاه معشوقم را

که دست هایت پرچم بلندی است
بر شانه های بابا
که آرام بگیرد
کشوری که مرز بندی شده
روی پیشانی پدرت
چشم های خواهرت
به دست تو خواهد رسید
جهان مه آلودم
هنگام که
تنگه جبل الطارق را پهن می کنی درون سینه
و در آغوش می کنی
کوه بابا را.

من وطن تو هستم

سالهای سال پنهان کردم

درون صندوقچه
یا زیر خاک نمور
مثل تفنگ پری
که شلیک نشده
هیچگاه
تو باید در مشت من باشی
یا آویزان از شانه ام
که کوهکن شوم
کوه های سیستان را
و بدوزدم افغانستان را
از آغوش عبدالرحمان
*
وطن تو اینجاست
از شانه ام بیابیز

م - شیدا

از آوار آن همه باران

نازنین لیلا!

بی خبر نباشی، بعضیها عجب سر زشتم می کنند. می گویند که تا هنوز هم عاشقی؟ فکر می کنم که حسودی شان می شود که تو هر چه سنگ می زنی مرا، ولیکن من عاشق تر می شوم. آنها هنوز نمی دانند که همه دیوانگان رانمی شود با سنگ راند. بعضی هایشان با سنگ زدن دیوانگی شان چند برابر گل می کند و می شکفتند و بزرگ می شود. بزرگ عین تو. عین اسمت، عین چوگانی. عین شیدای م شیدا.

اما از خدا که پنهان نیست از توجه پنهان کنم، همیشه نگاه تو به دنبال کسانی است که نگاهش در پی دیگری است. تو نگو که برایم نگفتم: در چهل ششمین سطر نامه بیست دوم برایم نوشته بودم که دل در کسی میند که چشمانت را قبله موقت شان کند. در سی و دومین سطر نامه ای پنجاه پنجمین هم برایم نوشته بودم که شتربانانی که از مزار آمده تو را دیده اند که در دشت های آنجا در پی آبی، اما به دنبال سراب می گردی! بارها برایم گفتم و نوشتیم که به چشمی اعتماد کن که به جای صورت به سیرت تو می نگرند. به دلی دل بسیار که جای خالی برایم داشته باشد. دستی را پذیرا باش که باز شدن را بهتر از مشت شدن بلد است.

کاش در این دنیای وانفسا یکی پیدا می شد که به تومی گفت که شناسنامه آدم ها بخشی از معصومیت چشم های آنهاست. سرزشت را به روزگار می سپارم و این را با یقین باور نکردنی می نویسم. بی انصاف! بدترین واژه ای است که دلم می آید برایم بنویسم .

شکایت نمی کنم اما ...

آیا واقعا نشد که در گذر همین همیشه بی شکیب دمی دلواپس "تنهای" دستهای من شوی؟
نه به اندازه تکرار "دیدار همصدای" نفسهایمان!
به اندازه زندگی ...

واقعا نشد...
واقعا انعکاس - سکوت
تنها حاصل - فریاد- آن همه ترانه
رو به دیوار خانه شما "نگو که نامه های نمناک. من به دستت نرسید
نگو که باغچه شما
از آوار آن همه باران
قطره ای هم نصیب نبرد
نگو که نا غافل از فضای فکرهاست فرار کردم
من هنوز همین جا ایستاده ام
کنار همین پنجره رو به خانه شما
کنار همین بیدها شعرها شکوه ها
هنوز هم فاصله ما

همان نه شماره پیشین است ***** ۰۷
دیگر نگو که در گذر گریه ها گمش کردی
نگو که نشانی محله ما را از یاد بردی
نگو که عنوانی نامه های غبار گرفته ای ما
در خاطرت نماند
آری . خلاصه ی تمام این فراموشی های نگفته
حرفی شبیه "دوستت نمی دارم" تو
آیا؟ در همان گفتگوی دور- گلا یه و گریه نیست؟
من سر خم می کنم، اما تو زیر وفایت زدی. من می شکتم، اما این تو هستی که شکستی. من میرم تا تو مرا کشته باشی.

لیلای همیشه پیروز بی دلیل. عمر غصه هایت کوتا باد الهی! سایه اسم بی وفایت از سرواژه های وفادار من کم نشود. در شب بارانی بهاری این دیوانه شیدا تورا عجیب کم دارد.

با یک دنیا گل سرخ برای حس قشنگ شاعری که تا یاری ام داد که این نامه را به پایان برسانم هرچه کردم نامش را ندانستم. م.شیدا

دوستت دارم می فوادم تو را به زمان به مال و هوایم پیونز دهم

ستاره ای در مدارم! می فوادم شکل واژه ها شوی

و سپیدی کاغذ هر کتابی که پاپ می کنم

مردم که بتوانند تو چون کلی در آن باشی شکل دهانم

عرق که می زهم مردم تو را شاور در صدایم بینند شکل رستانم

به میز که تکیه می کنم ترا میان رستانم فوادم بینند

پروانه ای در دستان کودکی

اشاره : نزار قبانی، (زاده ۲۱ مارچ ۱۹۲۳، درگذشته ۳۰ آپریل ۱۹۹۸) از بزرگترین شاعران و نویسندگان جهان عرب بود. نزار در یکی از محله های قدیمی شهر دمشق سوریه به دنیا آمد. هنگامی که ۱۵ ساله بود خواهر ۲۵ ساله اش به علت مخالفت خانواده اش با ازدواج با مردی که دوست داشت اقدام به خودکشی نمود. در حین مراسم به خاکسپاری خواهرش وی تصمیم گرفت که با شرایط اجتماعی که او آن را مسبب قتل خواهرش می دانست بجنگد. وی به زبانهای فرانسه ، انگلیسی و اسپانیولی نیز مسلط بود و مدت بیست سال در دستگاه دیپلماسی سوریه خدمت کرد. هنگامی که از او پرسیده می شد که آیا او یک انقلابی است، در پاسخ می گفت: «عشق در جهان عرب مانند یک اسیر و برده است و من می خواهم که آن را آزاد کنم. من می خواهم روح و جسم عرب را با شعرهایم آزاد کنم. روابط بین زنان و مردان در جهان ما درست نیست.» بخش هایی از اشعار نزار قبانی تاکنون به فارسی ترجمه و منتشر شده است. مهدی سرحدی، موسی بیدج، موسی اسوار و احمد پوری مترجمانی هستند که تاکنون نسبت به ترجمه بخشی از آثار نزار به فارسی اقدام کرده اند . در ذیل نیز جهت آشنائی شما خواننده گان دو شعر از ایشان را آورده ایم.

زمان
به اندازه تو میشد
گاهی
به شکل گامهای کوچکت
چندی
به شکل انگشتانت
انگشتریهایت
یا گوشواره اسپانیایی ات
گاهی هم
به هیات بهت
و اندازه جنون من.
*
پیش از آنکه دلبرم شوی
تقویمها بودند
برای شمارش تاریخ؛
تقویم هندوها
تقویم چینیهها
تقویم ایرانی
تقویم مصریان.
*
پس از آنکه دلبرم شدی
مردم میگفتند:
سال هزار پیش از
چشمانش
و قرن دهم بعد از
چشمانش.
مهم نیست بدانم
ساعت چند است؛
در نیویورک
یا توکیو

یا تایلند
یا تاشکند
یا جزایر قناری
که وقتی با تو باشم
زمان از میان میخیزد
و خاک من
با دمای استوای تو
در هم میامیزد.
*
نمیخواهم بدانم
زاد روزت را
زادگاهت را
کودکیهایت
و نورسیدگیت را
که تو زنی
از سلسله گللهایی
و من اجازه ندارم
در تاریخ یک گل دخالت کنم.
*
زمستان لندن مرا آموخت
زرد را دوست بدارم
و همگاننش را
و به شوق آیم
از شکست رنگ زیبایی
آرامش شیرینت
پیراهن ستاه مراکتشی ات
و چشمانت
که از بیژال شاعرانه
سرشارند.
*

در زمستان لندن
صدای تو
کلام من
و قاصد عشق
خاکستری است.
*
چرا یکشنبه
وقتی دستان من و تو
پلی میسازند
ناگاه
نافوس کلیسها
طنین میندازند؟
*
نمیتوان کوکت کرد
تعریف کرد
تصنیفت کرد
تصویرت کرد
- چون زبان دیگر -
که تو
پروانه ای افسانه ای هستی
و خارج از زمان
در پروازی.
*
ساعتهای گرانی
که پیش از عشق تو خریده بودم
از کار افتاده اند
و اینک
جز عشق تو
ساعتی به دستم نیست.

